

قمر در عقرب، شناخت، امور ممنوع و راه‌های رهایی

علی انجم‌شعاع^۱

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

چکیده

روایات اهل بیت علیهم‌السلام درباره پدیده‌ای آسمانی به نام «قمر در عقرب» سخن به میان آورده‌اند. گروهی از احادیث، انجام برخی کارها را در ایام قمر در عقرب نهی کرده‌اند و گروهی دیگر، راه‌هایی را برای رهایی از اثرات این پدیده بیان نموده‌اند. در این پژوهش، هر دو دسته از روایات، تبیین می‌شود. تاکنون بررسی جامعی درباره احادیث این پدیده نجومی انجام نگرفته؛ درحالی که پرداختن به آن، به دلیل ابتلای عمومی، داشتن عواقب و جدیت معصومان علیهم‌السلام در بیان این موضوع، ضروری است. شناخت این پدیده و راهکارهای رهایی از عواقب آن، می‌تواند افرادی که مجبور به انجام کاری در این اوقات هستند کمک نماید. در متن حاضر، ابتدا توضیحاتی درباره شناخت این پدیده و میزان نفوذ آن ارائه شده و سپس برخی از کارهایی که در هنگام قمر در عقرب نهی شده، تبیین می‌گردد. در پایان، راهکارهایی برای رهایی از عواقب این پدیده بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی

نحوست ایام، نقش پدیده‌های نجومی در زندگی انسان، ازدواج، سفر، صدقه، آیه الکرسی، معارف قرآن و حدیث

درآمد

روایات اسلامی از موضوعی با عنوان قمر در عقرب نام برده‌اند. اهل بیت علیهم‌السلام در احادیثی به آثار سوء این پدیده اشاره کرده‌اند؛ همچنین در احادیثی راهکارهایی برای دفع عواقب این پدیده بر زندگی انسان ذکر نموده‌اند. مقاله حاضر برای شناخت بهتر و حدود این پدیده، نکاتی مقدماتی را ارائه کرده و سپس به بررسی و تحلیل این روایات می‌پردازد.

۱. کارشناس حدیث مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، a.a.shoa@gmail.com

با توجه به عواقب ناگواری که برای قمر در عقرب در روایات بیان شده و همچنین مبتلا بودن بسیاری از مردم یا همه آنها با این موضوع و همچنین مشخص نبودن حدود این پدیده و آثار آن، پرداختن به این موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

پیش‌تر نوشتارهایی در موضوع قمر در عقرب به رشته تحریر درآمده‌اند. به عنوان نمونه دو مقاله با عنوان «قمر در عقرب» با قلم دکتر رحیم‌زاده ملک^۲ و دکتر عباس ماهیار^۳ به رویکرد آثار مکتوب قدیمی، به موضوع قمر در عقرب پرداخته‌اند. مرحوم علامه حسن‌زاده آملی نیز در کتاب «دروس معرفة الوقت و القبلة» مباحثی درباره نحوه قرارگیری ستاره‌ها و تفاوت بین برج و صورت بیان کرده و اقوال عالمان را در این موضوع بیان کرده‌اند.^۴ همچنین مطالبی پراکنده در فضای مجازی پیرامون این موضوع وجود دارد. با توجه به این پیشینه، تاکنون کاری متمرکز و حدیثی پیرامون این موضوع دیده نشده است.

روش این تحقیق، کتابخانه‌ای است و از متون حدیثی استفاده می‌کند. این مقاله سعی کرده با گردآوری روایات و تحلیل آنها، تصویری جامع و در عین حال، مختصر از موضوع مورد بحث ارائه دهد. در این مسیر، تلاش شده تا همه گزاره‌های روایی، جمع‌آوری و بررسی شود. البته به دلیل فراوانی داده‌ها، تحقیق پیش رو همه روایات را مطرح نکرده، بلکه به ذکر نمونه‌هایی در هر عنوان، بسنده کرده است. مباحث مقاله حاضر در سه بخش شناخت و حدود قمر در عقرب، کارهای نهی شده در ایام قمر در عقرب و راه‌هایی برای رهایی از اثرات قمر در عقرب ارائه شده‌اند.

الف) شناخت و حدود قمر در عقرب

موضوع «قمر در عقرب» در بخشی از علم نجوم مطرح شده است. همچنین محدثان، فقیهان و متکلمان نیز به تناسب بحث‌های حدیثی، فقهی و کلامی به این موضوع پرداخته‌اند. در این بخش، معنای قمر در عقرب، اصل اثرگذاری آن، رویکرد اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به آن و محدوده تأثیر آن تبیین می‌شود.

۱. معنای مصطلح قمر در عقرب

قمر در عقرب یک مصطلح است. از این رو، دنبال کردن معنای لغوی آن بهره‌ای ندارد. در این مصطلح، «قمر» به معنای «ماه» بوده اما درباره کلمه «عقرب» دو معنا ذکر شده است. در آسمان، ستاره‌ها اشکال و صورتی را درست کرده‌اند که اسامی گوناگونی برای آنها بیان شده است. در معنای

۲. نامه انجمن، رحیم رضازاده ملکه ش ۲۱.

۳. مجموعه مقالات گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، عباس ماهیار، ص ۲۳.

۴. دروس معرفة الوقت و القبلة، ص ۱۵۵.

اول، «عقرب» گروهی از «ستارگان» هستند که صورتی شبیه به عقرب را پدید آورده‌اند. بنابراین عقرب، صورتی فلکی از اجتماع چند ستاره خاص است. در این حالت، «قمر در عقرب» اصطلاحی است برای حالتی که ماه، روبه‌روی این صورت فلکی قرار می‌گیرد.^۵ منجمان قدیم در این حالت، ماه را منحوس به عقرب می‌دانند.

معنای دیگر این است که «عقرب» به یکی از «برج»های ۱۲ گانه ماه گفته می‌شود. هر ماه قمری ۲۹/۵ روز است و این روزها به ۱۲ قسمت تقسیم می‌شوند. هر کدام از این قسمت‌ها، برج نامیده می‌شوند. هشتمین قسمت (برج) به نام عقرب است. در روایتی امام باقر علیه السلام به معرفی این برج‌ها پرداخته و آنها را نام برده‌اند.^۶ در این توصیف، «قمر در عقرب» زمانی رخ می‌دهد که ماه در چرخش خود به برج عقرب برسد و وقتی که ماه از برج عقرب خارج شد قمر در عقرب نیز به پایان می‌رسد.

با توجه به دو معنای یادشده، میان عالمان در ملاک تعیین قمر در عقرب اختلاف وجود دارد؛ برخی آن را داخل شدن ماه در «صورت عقرب»^۷ و برخی در «برج عقرب»^۸ می‌دانند. نظریه سومی نیز وجود دارد که احتیاط را در این مورد مطرح کرده و ترک منهیات در هر دو زمان را لازم می‌داند. برای هر کدام از این دو قول، مخالفان و موافقانی از فقیهان مشهور وجود دارند که دلایلی برای نظریه خود بیان نموده‌اند.^۹

به دلیل مشکل بودن تشخیص صور فلکی و همچنین واضح نبودن وضعیت ماه و ستاره‌ها در بعضی از ایام، برخی از مؤسسات و مراکز نجومی به طور دقیق این ایام را مشخص کرده و نتیجه آن را منتشر می‌کنند. مرکز مطالعات و پژوهش‌های فلکی - نجومی از این دست مؤسسات است که ایام قمر در عقرب را به صورت دقیق، مشخص و در سایت خود بارگذاری نموده است.^{۱۰} بر اساس توضیحات داده شده در این سایت، ملاک سامانه بیان شده «قمر در برج عقرب» است.

۵. ن. کذبحار الانوار، ج ۵۵، ص ۲۶۸.

۶. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۷. ن. کذکشف اللئام، ج ۷، ص ۱۳.

۸. ن. کذجواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۴۹.

۹. به دلیل مفصل بودن این اقوال، از ارائه آنها خودداری می‌شود؛ اما نکته مهم این است که با بررسی‌های به‌عمل آمده، دو تفاوت عمده در قول اول و دوم وجود دارد. یکی نحوه تعیین قمر در صورت عقرب، بسیار ساده بوده و افراد با پیدا کردن صورت عقرب در آسمان می‌توانند این ایام را تشخیص دهند، ولی برای قمر در برج، نیازمند محاسبه دقیق ابتدای ماه، روزهای ماه و برج‌ها است. دوم اینکه مطابق قول دوم، زمان این پدیده، کمی بیشتر از زمان صورت در عقرب طول می‌کشد. برخی این زمان را تا یک روز نیز دانسته‌اند. بنابراین مطابق قول دوم پس از اتمام قمر در صورت، باید حدود یک روز دیگر نیز صبر نمود تا قمر از برج خارج گردد. به نظر می‌رسد بهترین راه برای حل این مساله، احتیاط در آن و پذیرش قول قمر در برج باشد.

۱۰. سایت مرکز مطالعات و پژوهش‌های فلکی به آدرس: farsi.nojumi.org

۲. قطعی بودن اثر قمر در عقرب

احادیث اهل بیت علیهم السلام، موضوع قمر در عقرب را دارای حقیقت می‌داند.^{۱۱} بر پایه این روایات، اثر انجام عمل در زمان قمر در عقرب، قطعی است و برخی از کارها در این ایام به سرانجام خوبی نخواهد رسید.^{۱۲} روایات، برای انجام کارهای مهم در این ایام از تعبیر «لَمْ يَرِ الْحُسْنَى» استفاده کرده‌اند. حال، این سرانجام غیر حَسَن هر چه باشد، نوعی ضرر بوده و از باب دفع ضرر، شناخت و پرداختن به آن مهم است.

با بررسی روایات، هیچ حدیثی که با قطعی بودن اثر قمر در عقرب منافات داشته باشد یافت نشد. تنها نقلی که در نگاه نخستین با اثرگذاری قمر در عقرب منافات دارد، روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام است:

قيل لعلی علیه السلام: لا تحاربهم اليوم فان القمر في العقرب. فقال:

قَمَرُنَا أَمْ قَمَرُهُمْ؟^{۱۳}

به امیر مؤمنان علیه السلام گفته شد: امروز با دشمن جنگ مکن، چون امروز

ماه در عقرب است. پس حضرت فرمود: ماه ما یا ماه آنها؟

مطابق این حدیث، سفر امیر مؤمنان علیه السلام برای جنگ در ساعاتی واقع شده که قمر در عقرب

است. اما این روایت هم منافی اثر قمر در عقرب نیست؛ چراکه مطابق این حدیث، در این جنگ نیز

تبعاتی وجود خواهد داشت، ولی این تبعات، گریبان‌گیر سپاه امام علیه السلام نشده و بر سپاه دشمن فرود

خواهد آمد. البته این روایت، ضعف سندی داشته و در کتب معتبر روایی نیامده است.

با توجه به احادیث، اثر قمر در عقرب، حتمی است و مورد نقضی برای آن وجود ندارد.

نکته دیگر نیازمند تبیین، آن است که گاهی دیده می‌شود، کسی در این ایام، کاری را که از آن

نهی شده، انجام داده ولی اثر سویی برای او نداشته است. در بخش‌های بعدی بیان خواهد شد که

برخی امور، عواقب قمر در عقرب را از بین می‌برند.^{۱۴} پس قمر در هر حال، عوارضی دارد ولی قابل

رفع است.

۱۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۳۰، ح ۵۰۷.

۱۲. ن. ک: الکافی، ج ۸، ص ۲۷۵، ح ۴۱۶.

۱۳. الوافی، ج ۲۶، ص ۵۲۲.

۱۴. ن. ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۲۴۰۵.

۳. رویکرد اهل بیت علیهم السلام به موضوع قمر در عقرب

نحوه برخورد اهل بیت علیهم السلام با موضوع قمر در عقرب و سایر مباحث نجومی، می‌تواند نشان‌دهنده راه باشد. سیره ائمه علیهم السلام این بوده که به جای دامن زدن به مشکل، سعی در رفع آن داشتند. برای نمونه در کتاب من لا یحضره الفقیه روایتی قابل تأمل آمده است:

رَوَى عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيْكَرَةُ السَّفَرِ فِي شَيْءٍ مِنَ الْإِيَّامِ الْمَكْرُوهَةِ مِثْلَ الْأَرْبَعَاءِ وَغَيْرِهِ؟ فَقَالَ: إِفْتِحْ سَفْرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَ اخْرُجْ إِذَا بَدَأَ لَكَ وَ اقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ احْتَجِمْ إِذَا بَدَأَ لَكَ.^{۱۵}

در این حدیث، حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام درباره سفر در روزهایی که مورد کراهت است، مانند چهارشنبه، سؤال می‌کند. امام علیه السلام با سفارش به پرداخت صدقه برای سفر و خواندن آیت الکرسی برای حجامت، او را راهنمایی می‌کنند. نکته قابل ذکر این است که امام علیه السلام در جواب سؤال حماد که به دنبال اثبات کراهت است، جوابی راهگشا می‌دهند. در واقع ایشان نوع کراهت این ایام را در قالب راه حل توضیح می‌دهند.

بنابراین سیره اهل بیت علیهم السلام بیان راهکار برون‌رفت از مشکل است نه شایع کردن آن و نگران‌سازی و گرفتار کردن مردم. پس دیگران هم باید سعی کنند به جای گرفتار نشان دادن مردم، با راهکارهایی که مورد سفارش ائمه علیهم السلام است، دیگران را از این مشکلات برهانند. در حالی که سوگمندان، دیده می‌شود برخی رمال‌ها و دعانویس‌ها، با گرفتار نشان دادن مردم، پول‌های کلانی را از آنها اخذ می‌کنند.

۴. حکم فقهی قمر در عقرب

گروهی از روایات، برخی از کارها را در ایام قمر در عقرب، نهی کرده‌اند. این نهی دال بر کراهت است نه حرمت. فقیهان شیعه در کتاب‌های خود به این کراهت تصریح کرده‌اند. به عنوان مثال مرحوم صاحب الحدائق^{۱۶} و صاحب العروة^{۱۷} مسافرت در این ایام را مکروه می‌دانند. این موضوع در مورد کراهت ازدواج نیز صادق است و بسیاری از عالمان مانند محقق حلی^{۱۸}، محقق کرکی^{۱۹}، شهید ثانی^{۲۰} و مرحوم بحرانی^{۲۱} در کتب فقهی خود ازدواج در این اوقات را مکروه شمرده‌اند.

۱۵. الخصال، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۹.

۱۶. الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۴۱.

۱۷. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۲۶.

۱۸. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۴۹۲.

۱۹. جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۳ و ۱۲، ص ۱۶.

۲۰. مسالك الافهام، ج ۷، ص ۲۱.

۲۱. الحدائق الناضرة، ج ۲۳، ص ۳۹.

با توجه به کراهت برخی از اعمال در ایام قمر در عقرب، چنانچه در مقام عمل، این ایام با کاری واجب تداخل پیدا کند، اولویت با انجام واجب خواهد بود. بنابراین اگر مثلاً والدین به فرزند خود در روزی که قمر در عقرب است، دستور سفر بدهند یا زمان حج واجب برسد، امر اهم مقدم می‌شود. در این صورت هرچند باید به کار واجب پرداخت ولی برای دفع آثار این اوقات، می‌توان از راهکارهای اهل بیت (علیهم‌السلام) مانند صدقه و آیه الکرسی استفاده نمود. از مرحوم کرکی نقل شده که مسافرت برای حج را که امری واجب است، در ایام قمر در عقرب مکروه می‌داند.^{۲۲} در این صورت اگر این سفر قابل جلوگیری یا عقب انداختن نباشد، برای دفع کراهت آن، می‌توان از راهکارهای ارائه شده بهره برد.

۵. انحصار عوارض قمر در عقرب به موارد خاص

اکنون پرسشی پیش می‌آید که آیا تأثیر سوء قمر در عقرب، ویژه کارهایی مهم مانند ازدواج و سفر است و یا اینها مصادیق قابل توجه این موضوع هستند و تأثیر آن شامل همه کارها می‌شود؟ به عبارت دیگر، نحسی قمر در عقرب فقط مخصوص موارد بیان شده در روایت است و یا اهل بیت (علیهم‌السلام) در مقام این بودند که مشکلات قمر در عقرب را با ذکر مثال‌هایی توضیح دهند؟

به نظر می‌رسد که مصادیق موارد نهی از عمل در هنگام قمر در عقرب، منحصر به موارد بیان شده باشد و به سایر امور مهم مانند بنای خانه، معامله (داد و ستد)، زیارت، نوشتن دعا و ... سرایت نکند. دلایلی برای این موضوع وجود دارد:

- در هیچ روایتی به صورت کلی از کار در ایام قمر در عقرب نهی نشده است. چنانچه به جز موارد بیان شده، انجام کارهای مهم و غیر مهم در این ایام کراهت می‌داشت و یا به جز موارد بیان شده، مصادیق دیگری هم می‌داشت، باید در منابع حدیثی ذکر می‌گردید. بنابراین تکلیف - غیر الزامی - افراد، انجام ندادن همین موارد است.
- فهم فقیهان از این روایات، کراهت همان موارد خاص است. چنانچه فقیهان از این روایات، عموم انجام هر کاری را برداشت می‌کردند، حکم به کراهت - تنها - مواردی مانند ازدواج نمی‌کردند بلکه انجام هر کاری را در این ایام مکروه می‌شمردند.
- از راهکارهایی که در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) وجود دارد، معلوم می‌شود که اثر سوء این ایام فقط در برخی از اعمال خاص ظاهر می‌شود. به عنوان مثال، روایات از مسافرت در هنگام قمر در عقرب نهی کرده و در کنار آن نیز احادیثی بر دادن صدقه برای رفع چنین اثری وجود دارد. بنابراین اگر اموری دیگر نیز وجود می‌داشت که نباید در هنگام قمر در عقرب انجام گیرد، اهل بیت (علیهم‌السلام) راهکارهای غلبه را بیان می‌کردند.

۲۲. ن. کنه جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۴۱.

پس از شناخت پدیده قمر در عقرب و حدود آن، به بیان اموری که در هنگام وقوع این پدیده مورد نهی قرار گرفته، پرداخته خواهد شد.

ب) نهی از انجام برخی کارها در هنگام قمر در عقرب

اهل بیت علیهم السلام از انجام برخی امور در ایام قمر در عقرب نهی کرده‌اند. در بخش حاضر، فهرست این امور به همراه مهم‌ترین مستندات روایی ارائه گردیده و بررسی می‌شود.

۱. ازدواج

بخشی از احادیث، ازدواج را هنگامی که قمر در عقرب است، نهی کرده‌اند. این روایات در کتاب‌های من لا یحضره الفقیه،^{۳۳} عیون اخبار الرضا علیه السلام،^{۳۴} تهذیب الاحکام،^{۲۵} الآداب الدینیة،^{۳۶} و مکارم الاخلاق^{۳۷} وجود دارد. وضعیت این احادیث از جهت اعتبار متفاوت است. برای نمونه روایتی از کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام که از جهت سندی صحیح هست ارائه می‌شود:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّنَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدَمِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: ... مَنْ تَزَوَّجَ وَالْقَمَرُ فِي الْعَقْرِ لَمْ يَرِ الْحُسْنَى ...^{۲۸}

امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که در وقت قمر در عقرب ازدواج کند،

عاقبت خوبی نمی‌بیند.

چند نکته درباره این حدیث وجود دارد:

– تکیه این حدیث و روایات مشابه بر ذکر عاقبت «لَمْ يَرِ الْحُسْنَى» برای ازدواج در ایام قمر در عقرب است. «الحسنی» در لغت به معنای «عاقبت خوب» است؛^{۲۹} همچنین به «ضد

۳۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳۴. الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، ص ۲۳۵.

۳۵. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۷، ح ۲.

۳۶. الآداب الدینیة، ص ۱۰۷.

۳۷. مکارم الاخلاق، ص ۱۹۸.

۲۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۲۵.

۲۹. کتاب الماء، ج ۱، ص ۳۲۲.

السَّوْأَى» نیز معنا شده است.^{۳۰} «السَّوْأَى» به معنای عاقبت بد است.^{۳۱} استعمال «الحسنی» به معنای عاقبت خوب در قرآن کریم نیز وجود دارد. در آیه ۵۲ سوره توبه با عبارت «إِحْدَى الْحُسَيْنِ» به کسانی که در راه منافقانه قدم نگذاشته‌اند دو عاقبت خوب (پیروزی یا شهادت) وعده داده شده است.^{۳۲} پس «لَمْ يَرِ الْحُسْنَى» به معنای این است که فرد، عاقبت خوبی نمی‌بیند. شاید کسی پس از انجام کاری که عمل به آن در ایام قمر در عقرب نهی شده، اتفاقی برایش نیفتند و حتی بسیار خوشحال و پُر آسایش باشد، ولی در نهایت، عاقبت او خوب نخواهد بود و گرفتار سرنوشتی بد خواهد شد.

- از عبارت «لم یر» می‌توان جدّیت این موضوع و حتمی بودن عاقبت بد آن را متوجّه شد؛ چراکه واژه «لم» برای تأکید نفی است. به نظر می‌رسد برای درک این عبارت باید خیرهایی که در ازدواج نهفته است، مورد توجّه قرار گیرد. به عنوان نمونه، زیاد شدن رزق، فرزند دار شدن، رسیدن به آرامش و ... از امور خیر و خوبی است که در روایات به آن اشاره شده است. هر کدام از این مصادیق، امری هستند که از دیدگاه همه، مهم‌اند و انجام ازدواج موقع قمر در عقرب می‌تواند همه این امور یا تعدادی از این‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

- در همه این منابع، آنچه مورد نهی قرار گرفته، «ازدواج» در این ایام است. ازدواج نیز با خواندن عقد، مقرر می‌شود. بنابراین جماع (آمیزش) و یا گرفتن مراسم، ازدواج محسوب نمی‌شوند. شاهد این کلام روایاتی است که ازدواج را جدای از آمیزش و مراسم می‌دانند. به عنوان مثال در حدیث «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَهَا زَوْجٌ دَخَلَ بِهَا أَوْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا أَوْ زَنَى بِهَا لَمْ يَحِلَّ لَهُ أَبَدًا»^{۳۳} ازدواج جدای از مقاربت، فرض شده است. برخی از کتب فقهی نیز در توضیح کراهت ازدواج در این ایام، تصریح کرده‌اند که مقصود از ازدواج، اجرای عقد است.^{۳۴} مطابق این توضیحات، به آمیزش (نزدیکی کردن) و برگزاری مراسم، ازدواج گفته نمی‌شود.^{۳۵}

۳۰. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۱۵.

۳۱. الطراز الاول، ج ۱، ص ۱۰۷.

۳۲. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۳۴.

۳۳. الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۳.

۳۴. ن. کنه جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۱۶.

۳۵. ن. کنه مسالك الافهام، ج ۷، ص ۲۱.

در بین مردم مشهور است که در کتاب حلیة المتّقین، آمیزش در ایّام قمر در عقرب مکروه شمرده است. با مراجعه به این کتاب، روشن می‌شود که علامه مجلسی با ارائه حدیث امام صادق علیه السلام در نهی ازدواج در ایّام قمر در عقرب، آن را ذیل آداب تزویج می‌آورد؛ ولی هیچ سخنی مبنی بر کراهت آمیزش بیان نمی‌کند.^{۳۶}

بنابراین می‌توان گفت که هیچ دلیلی بر نهی از مقاربت در این ایّام وجود ندارد. همچنین برای نهی از انعقاد نطفه نیز دلیلی یافت نشد.

- در برخی روایات از ازدواج و مجامعت در محاق ماه (یعنی روزهای آخر ماه که قمر ناپدید است و غالباً سه روز است) نهی شده است.^{۳۷} حتّی برخی روایات تبعاتی مانند سقط جنین را درباره انعقاد نطفه در این ایّام گوشزد نموده‌اند.^{۳۸} این موضوع مرتبط با محاق ماه است و ارتباطی با قمر در عقرب ندارد؛ لذا نیازمند پژوهشی مستقل است. به همین جهت از پرداختن به آن صرف نظر می‌شود. همچنین در بعضی روایات از جماع در هنگام خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی نهی شده است که این موضوع نیز بحثی جدا بوده و ارتباطی با موضوع قمر در عقرب ندارد.^{۳۹}

۲. سفر

بعضی روایات از سفر در ایّام قمر در عقرب، منع کرده‌اند. برای نمونه روایتی از کتاب الکافی ارائه می‌شود:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حُمَرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:
مَنْ سَافَرَ أَوْ تَزَوَّجَ وَالْقَمَرُ فِي الْعَقْرِبِ لَمْ يَرِ الْحُسْنَى.^{۴۰}

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که در ایّام قمر در عقرب مسافرت و

یا ازدواج کند، عاقبت خوبی نمی‌بیند.

این روایات علاوه بر الکافی در کتاب‌هایی مانند من لا یحضره الفقیه،^{۴۱} المحاسن،^{۴۲} الاصول السنّة عشر،^{۴۳} مکارم الاخلاق^{۴۴} و عوالی اللالی^{۴۵} نیز نقل شده است.

۳۶. ن. کد حلیة المتّقین، ص ۱۷۳.

۳۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۴، ح ۴۳۸۹.

۳۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۳۵.

۳۹. الکافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۱.

۴۰. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۵، ح ۴۱۶.

۴۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۷.

۴۲. المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۷.

۴۳. الاصول السنّة عشر، ص ۱۲۴.

۴۴. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۲.

۴۵. عوالی اللالی، ج ۳، ص ۳۰۴.

در این منابع، حدیث بیان شده از امام صادق علیه السلام با سند «ابراهیم بن محمد بن حمران عن ابیه عن ابی عبد الله علیه السلام» است. متأسفانه محمد بن حمران در رجال شیعه ناشناخته است. همچنین برخی از منابع این حدیث را به صورت مرسل نقل کرده‌اند. از این رو روایت یادشده از جهت سندی قوی نیست، اما به جهت اهتمام منابع مختلف در نقل این روایت و همچنین آثاری که برای آن ذکر شده، نمی‌توان بی‌اعتنا به این روایت بوده و از کنار آن به راحتی گذشت.

۳. پوشیدن حرز امام جواد علیه السلام

یکی دیگر از اعمالی که در زمان قمر در عقرب مورد نهی قرار گرفته، بستن حرز امام جواد علیه السلام است. امام جواد علیه السلام در توضیح این حرز چنین می‌فرماید:

فَلْيُشَدَّ عَلَى عَضِدِهِ الْاَيْمَنِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَ النَّوَائِبِ يُسَلِّمُ بِحَوْلِ اللَّهِ
وَ قُوَّتِهِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَخَافُهُ وَ يَحْذَرُهُ وَ يَنْبَغِي أَنْ لَا يَكُونَ طُلُوعُ الْقَمَرِ فِي

بُرْجِ الْعَقْرَبِ.^{۴۶}

آن [حرز] را بر بازوی راست خود ببندد در نزد رسیدن سختی‌ها و حادثه‌ها که سالم خواهد ماند به حول خدای و قوت او از هر چیزی که می‌ترسد و از آن حذر می‌نماید و سزاوار است که در آن وقت ماه در برج عقرب نباشد.^{۴۷}

در این روایت چند نکته مورد توجه است:

- مطابق متن روایت، نهی فقط در هنگام بستن این حرز است یعنی فقط باید دقت نمود که موقع به بازو بستن این حرز، در ایام قمر در عقرب نباشد. طبق این حدیث و احادیث دیگر، محدودیتی برای خرید حرز، خرید وسایل نگارش، درست کردن آن و یا زمان نگارش (نوشتن) وجود ندارد. بنابراین چنانچه این امور در زمان قمر در عقرب قرار گیرند به حرز ضرری وارد نمی‌شود.

- در این روایت امام بیان کرده‌اند که چنانچه این حرز به بازوی راست باشد و ایام قمر در عقرب نیز نباشد، این حرز تأثیر گذاشته و موجب حفظ انسان و پیروزی بر مشکلات می‌شود. بنابراین اگر فرد این شرایط را رعایت نکند، این حرز تأثیرگذاری مطلوب خود را نخواهد داشت. در متن این حدیث چیزی در مورد باطل شدن حرز (یعنی ناکارآمد بودن در دفعات بعد) نیامده و لذا به نظر می‌رسد اگر فردی در هنگام قمر در عقرب این حرز را ببندد، بدون تأثیر و اگر بعداً دوباره آن را در ایام دیگر ببندد، دارای تأثیر باشد.

۴۶. مهج الدعوات، ص ۴۰.

۴۷. مهج الدعوات (ترجمه طبسی)، ص ۷۲.

۴. حجامت

یکی دیگر از کارهایی که باید از آن پرهیز داشت، حجامت در روز چهارشنبه‌ای است که خورشید در عقرب واقع شده است. روایت این موضوع در کتاب مکارم الاخلاق از پیامبر ﷺ نقل شده است:

أَنَّ نَهْيَ عَنِ الْحِجَامَةِ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ إِذَا كَانَتْ الشَّمْسُ فِي

العقرب.^{۴۸}

حضرت از حجامت در چهارشنبه وقتی که خورشید در برج عقرب باشد

نهی فرمود.^{۴۹}

چند نکته درباره این روایت قابل توجه است:

- در این روایت از حجامت در ایام قمر در عقرب نهی نشده بلکه در زمان خورشید در عقرب نهی شده و این، زمانی متفاوت است.

- این روایت بدون سند ذکر شده و در سایر منابع نیز با سند معتبری نیامده است.

در برخی روایات روز چهارشنبه روز نحس مستمر دانسته شده و به صورت کلی از حجامت در آن نهی شده است.^{۵۰} در برابر بعضی دیگر از روایات، بیان کرده‌اند که امام صادق علیه السلام در روز چهارشنبه به حجامت می‌پرداختند.^{۵۱} چنانچه روایت اول پذیرفته شود، حجامت در روز چهارشنبه، چه خورشید در عقرب باشد و یا نباشد، مورد نهی است؛ یعنی نهی از حجامت چهارشنبه، مطلق است.

با توجه به روایات بیان شده در این بخش، کارهای مورد نهی در هنگام قمر در عقرب، منحصر به عقد ازدواج، سفر و بستن حرز امام جواد علیه السلام است.

ج) راه‌های رهایی از اثرات قمر در عقرب

بیشتر بیان شد که در سخن اهل بیت علیهم السلام کارهایی در ایام قمر در عقرب مورد نهی قرار گرفته است. در برخی احادیث، راهکارهایی وجود دارد که با آن می‌توان از عوارض این پدیده جلوگیری کرد. در این بخش، راهکارهای رهایی از عوارض قمر در عقرب بیان می‌شود.

۴۸. مکارم الاخلاق، ص ۷۵.

۴۹. مکارم الاخلاق (ترجمه میرباقری)، ج ۱، ص ۱۴۲.

۵۰. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۲.

۵۱. النخال، ج ۲، ص ۳۸۷، ح ۷۵.

۱. صدقه

یکی از عوامل مهم برای مقابله با عوارض ایام خاص و به خصوص قمر در عقرب، صدقه است. روایات مرتبط با این موضوع را می‌توان در چند دسته تقسیم نمود:

۱/۱. صدقه برای سفر

گاهی پیش می‌آید که انسان سفری ضروری در پیش دارد اما این سفر با ایام هنگام قمر در عقرب مقارن شده است. گروهی از احادیث بیان کرده‌اند که برای سفر و خروج از محل زندگی می‌توان صدقه داد و سفر را در هر وقتی آغاز نمود. برای نمونه روایتی از کتاب من لا یحضره الفقیه با سند صحیح از امام صادق علیه السلام ارائه می‌گردد:

تَصَدَّقْ وَ اخْرُجْ اَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ. ^{۵۲}

صدقه بده و هر روز که خواستی مسافرت کن. ^{۵۳}

این حدیث در کتاب‌هایی مانند الکافی، ^{۵۴} المحاسن، ^{۵۵} تهذیب الاحکام، ^{۵۶} الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام ^{۵۷} و مکارم الاخلاق ^{۵۸} نیز آمده است. حدیث یادشده از جهت سند و منابع بسیار قابل توجه است.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده:

كَانَ اَبِيْ اِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْاَرْبَعَاءِ مِنْ اَخْرِ الشَّهْرِ وَ فِيْ يَوْمٍ يَكْرَهُهُ

النَّاسُ مِنْ مُحَاقٍ اَوْ غَيْرِهِ تَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ خَرَج. ^{۵۹}

پدرم هر وقت می‌خواست روز چهارشنبه آخر ماه و هر روزی که مردم مسافرت را به جهت «محاق» یا سبب دیگری خوب نمی‌دانند مسافرت کند، صدقه می‌داد و سپس حرکت می‌کرد. ^{۶۰}

این روایت نیز دلیل بر آن است که در هر وقت که احتمال ضرری در مسافرت به خاطر گردش ایام وجود دارد، با پرداخت صدقه می‌توان این ضرر را دفع کرده و به سفر پرداخت.

۵۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۹، ح ۲۴۰۲.

۵۳. بهشت کافی، ص ۳۲۲.

۵۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۴.

۵۵. المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۲۳.

۵۶. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۹، ح ۱۵۱.

۵۷. الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، ص ۳۹۴.

۵۸. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۳.

۵۹. المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۲۴.

۶۰. آداب سفر در فرهنگ نیایش، ص ۹۶.

نکته دیگر در این روایت، شیوه رفتار امام علیه السلام است. چنانچه این ایام تأثیری بر انسان نداشته باشد، ایشان بدون پرداخت صدقه به مسافرت می‌رفتند و یا صراحتاً اعلام می‌کردند که این ایام، اثری بر انسان ندارد و اعتقاد به آن و پایبندی به مقابله با آن، نادرست و حتی بدعت است. ولی امام علیه السلام به پرداخت صدقه روی می‌آوردند و این نشان از تأثیرگزاری ایام بر سفر است. روایات دیگری نیز بدون اشاره به نحسی ایام، سفر با صدقه را موجب سلامتی می‌دانند؛ به عنوان مثال در حدیثی آمده:

حضرت زین العابدین علیه السلام هرگاه می‌خواست به یکی از املاک خود برود، سلامتی خود را با صدقه‌ای که در توانش بود می‌خرید. هنگامی که پا در رکاب می‌نهاد، صدقه می‌داد و چون خداوند او را به سلامت بازمی‌گرداند، خداوند عزوجل را سپاس می‌گفت و به مقدار توان خود صدقه می‌داد.^{۶۱}

۱/۲. صدقه برای برطرف شدن نحسی ایام

از کارکردهای صدقه، برطرف نمودن نحسی روز است. گاهی برخی روزها برای افراد خوش‌یمن نبوده و نه تنها کارهایشان مطابق روال نبوده بلکه مشکلاتی نیز به کارشان می‌افتد. صدقه می‌تواند این مشکلات را از انسان دور نماید. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ حِينَ يُصْبِحُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ.^{۶۲}
 هر که صبح را با صدقه آغاز کند، خداوند شومی آن روز را از او برطرف می‌کند.

این روایت از جهت سندی صحیح بوده و در کتاب‌هایی مانند الکافی، من لا یحضره الفقیه،^{۶۳} امالی الصدوق،^{۶۴} المحاسن^{۶۵} و مکارم الاخلاق^{۶۶} آمده است.

در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله، صدقه در دو بخش از روز سفارش شده است:

هر صبح صدقه‌ای بده تا شومی آن روز از نزد تو برود و هر شب صدقه‌ای بده تا شومی آن شب از نزد تو برود.^{۶۷}

۶۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۰.

۶۲. الکافی، ج ۴، ص ۶، ح ۷.

۶۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۲۴۰۷.

۶۴. الامالی (للصدوق)، ص ۴۴۳.

۶۵. المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۹.

۶۶. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۳.

۶۷. قرب الاسناد، ص ۱۲۱، ح ۴۳۳.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نیز آمده که ایشان با مردی ستاره‌شناس در زمینی شریک بودند. آن مرد ستاره‌شناس منتظر بود تا خودش در ساعت نیک و امام علیه السلام در ساعت بدی برای تقسیم زمین خارج شود. زمین تقسیم شد و قسمت بهتر به نام امام علیه السلام درآمد. مرد ستاره‌شناس بسیار ناراحت شد. امام علیه السلام نیز با اشاره به حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله در برطرف شدن شومی روز و شب با صدقه، تأکید کردند که خروج خود را با صدقه انجام داده‌اند.^{۶۸}

مطابق این روایات، با صدقه دادن نحسی و شومی روز و شب برطرف می‌شود و تقدیری که ممکن است در آن روز گریبان‌گیر فرد شود تغییر می‌یابد.

با جست‌وجوی در احادیث، روایتی که دال بر شومی ایام قمر در عقرب باشد، یافت نشد. بنابراین روایاتی که در بخش‌های پیشین آمد و نیز روایاتی که در فصل پیشین از همین بخش ذکر شد، با موضوع قمر در عقرب ارتباط بیشتری دارد.

نکته دیگر در روایات بیان شده، آن است که این صدقه فقط برای اتفاقاتی که قرار است در همان شب و روز روی دهد. به عبارت دیگر صدقه در ابتدای روز، نحسی آن روز و در ابتدای شب، نحسی آن شب را برطرف می‌کند. اما این که چنین صدقه‌ای بتواند آینده را تغییر دهد، از این روایات برنمی‌آید. در واقع این روایات نمی‌تواند در برابر تعبیر «لم یر الحسنی» که به معنای «عاقبت خوبی نمی‌بیند» است، مقاومت کند؛ زیرا روایات قمر در عقرب، پیش‌بینی آینده است نه صرفاً اتفاقاتی که قرار است در آن روز یا آن شب رخ دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که این روایات نمی‌تواند همه عواقب احتمالی انجام امور یادشده را در زمان قمر در عقرب دفع کند. در قسمت بعد روایتی درباره اثر دیگر صدقه ذکر می‌شود که می‌تواند حلال این مشکل نیز باشد.

۱.۳. صدقه و تغییر طالع

یکی از خواص صدقه، تغییر طالع و رخدادی است که قرار است در آینده پدید بیاید. در روایتی آمده است:

رُویَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَنَّهُ قَالَ: كُنْتُ أَنْظُرُ فِي النُّجُومِ وَ أَعْرِفُهَا وَ أَعْرِفُ الطَّالِعَ فَيَدْخُلُنِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَشَكَّوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ: إِذَا وَقَعَ فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ فَتَصَدَّقْ عَلَى أَوْلَى مَسْكِينٍ ثُمَّ امْضِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَدْفَعُ عَنْكَ.^{۶۹}

۶۸. الکافی، ج ۴، ص ۶، ج ۹.

۶۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۹، ج ۲۴۰۶.

از ابن ابی عمیر روایت شده که گفت: من در ستارگان می‌نگریستم و آنها را می‌شناختم و نسبت به طالع عارف بودم و از این رهگذر نگرانی‌ای به خاطرم خطور می‌کرد. پس از این حالت به امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام شکایت کردم. امام فرمود: هر زمان که چیزی به خاطرت راه یافت، به نخستین مسکین صدقه‌ای بده و از پی کار خود روان شو، زیرا خدای عز و جل آن بدی را از تو دفع می‌کند.^{۷۰}

این حدیث از جهت سندی صحیح است. ماده «طلع» به معنای چیزی است که ظهور و بروز می‌کند.^{۷۱} و «الاستیطلاع» پژوهش و کوشش برای شناختن امری است.^{۷۲} بنابراین «طالع بینی» به دنبال شناخت اتفاقاتی است که در آینده به وجود می‌آید. با توجه به این روایت، صدقه می‌تواند آینده را از اتفاقات ناگواری که مطابق دانش نجوم قدیم، قابل پیش بینی است نجات ببخشد. این روایت شامل مواردی مانند ازدواج و سفر در ایام قمر در عقرب نیز می‌شود و در برابر «لم یر الحسنی» مقاومت می‌کند.

بنابراین گاهی کسی به نیت همان روز صدقه‌ای را می‌پردازد و از نحسی همان روز در امان است و گاهی صدقه را برای بر طرف شدن اثرات عملی می‌پردازد که نتایج آن شاید بعدها پدید بیاید، ولی با صدقه عواقب کار، دفع می‌گردد. این روایت یکی از بهترین احادیث برای رفع اثر سوء سفر و ازدواج و بستن حرز و حجامت در وقت قمر در عقرب یا خورشید در عقرب است.

۲. خواندن آیه الکرسی

برخی روایات افزون بر صدقه، به قرائت آیت الکرسی برای دفع کراهت سفر اشاره کرده‌اند. در حدیثی آمده است:

قُلْتُ يَا أَبَى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيْكِرُهُ السَّفَرُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَكْرُوهَةِ الْأَرْبَعَاءِ وَغَيْرِهِ؟ فَقَالَ: افْتَتِحَ سَفْرُكَ بِالصَّدَقَةِ وَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِذَا بَدَأَ لَكَ.

(راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا سفر در روزهای مکروه، چهارشنبه و غیر آن، ناپسند است؟ فرمود: سفر خود را با صدقه آغاز کن و آیه الکرسی را بخوان و هر وقت که خواستی راهی سفر شو.^{۷۳}

۷۰. ترجمه من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۳۹.

۷۱. ن. کنه معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۱۹.

۷۲. ن. کنه فرهنگ ابجدی، ص ۶۰.

۷۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۳.

این حدیث از جهت سندی صحیح بوده و در منابعی چون الکافی، المحاسن،^{۷۴} تهذیب الاحکام^{۷۵} و مکارم الاخلاق^{۷۶} آمده است. با توجه به احادیث دیگر، مشخص می‌شود که منظور از روزهای مکروه، چهارشنبه آخر ماه و ایام محاق (سه روز آخر ماه) است.^{۷۷} پس مقصود راوی از کراهت، ایامی است که مرتبط با ماه می‌باشد.

بیشتر گفته شد که روایات نهی از حجامت، مربوط به ایام قمر در عقرب نبوده و فقط شامل ایام خورشید در عقرب می‌شود. اکنون مطابق روایات، از آیه الکرسی برای رهایی از کراهت حجامت در این ایام می‌توان بهره برد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

آیه الکرسی را بخوان و هر وقت می‌خواهی حجامت کن.^{۷۸}

این روایت از جهت سندی صحیح است. بنابراین آیه الکرسی راهکاری است که برای دفع کراهت سفر و حجامت کاربرد دارد.

۳. برخی راه‌های دیگر

راه‌های دیگری نیز برای رفع خطر در سفر و ... بیان شده که چون احتمال ارتباط آن با ایام قمر در عقرب وجود دارد، در این فصل ذکر می‌شود. هیچ یک از این راهکارها به طور مستقل نمی‌تواند از عواقب انجام امور یادشده در ایام قمر در عقرب جلوگیری کند.

در روایات، خواندن سوره قدر برای سلامتی در سفر کارگشا شمرده شده است. در روایتی آمده که افراد می‌توانند برای سلامتی خود در سفر یا برای صحت خود هنگام خروج از منزل، سوره قدر را تلاوت کنند. در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَسْبِقُ الْقَدَرَ لَقُلْتُ إِنَّ قَارِيءًا أَنَا أَنْزَلْنَاهُ حِينَ يُسَافِرُ أَوْ

يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ سَيَرْجِعُ إِلَيْهِ سَالِمًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.^{۷۹}

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر چیزی بتواند بر قدر الهی پیشی گیرد، می‌گفتم

خواننده «انا انزلنا» به هنگام سفر یا خروج از منزل، سالم به خانه باز آید

ان شاء الله تعالی.^{۸۰}

۷۴. المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۸.

۷۵. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۹، ح ۱۵۰.

۷۶. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۲.

۷۷. كانَ اَبِي إِذَا خَرَجَ يَوْمَ اَلْاَرْبَعَاءِ مِنْ اَخْرِ الشَّهْرِ اَوْ فِي يَوْمٍ يَكْرَهُهُ النَّاسُ مِنْ مُحَاقٍ اَوْ غَيْرِهِ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ خَرَجَ. المحاسن:

ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۲۸.

۷۸. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۳، ح ۴۰۸.

۷۹. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۳.

۸۰. مکارم الاخلاق (ترجمه میرباقری)، ج ۱، ص ۴۶۳.

این حدیث تنها برای سفر کاربرد داشته و اشاره‌ای به ایام قمر در عقرب یا ایام مکروهه ندارد. از سوی دیگر، گاهی اثر قمر در عقرب، از بین رفتن سلامتی نیست، بلکه شاید نتایج بد مادی یا معنوی، از آثار سوء سفر در زمان قمر در عقرب باشد. از این رو بهتر است خواندن سوره قدر به همراه سایر راهکارها انجام بگیرد.

دعا از عوامل دیگر برای دفع بلاست^{۸۱} که حتی می‌تواند قضا و قدر را تغییر دهد.^{۸۲} در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده که ایشان در ابتدای هر ماه ادعیه‌ای را قرائت می‌کردند. در این دعاها اشاره‌ای به قمر در عقرب نشده است؛ ولی محتوای این ادعیه در خواست سلامتی، رفع بلاها، پربركتی و خوش طالعی در آن ماه از خداوند متعال است. با توجه به این محتوای غنی، شاید بتوان گفت از دیگر اموری که می‌توان برای رفع بلاها و مشکلات ناشی از قمر در عقرب از آن بهره گرفت، دعاست. دعای ۴۳ صحیفه سجادیه که امام سجاده (علیه‌السلام) در هنگام نگاه به هلال ماه قرائت می‌فرمودند از این ادعیه است. در بخشی از این دعا آمده است:

... فَاسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبِّكَ، وَ خَالِقِي وَ خَالِقَكَ، وَ مُقَدِّرِي وَ مُقَدِّرَكَ، وَ مُصَوِّرِي وَ مُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَتٍ لَا تَمَحُّقُهَا الْآيَامُ، وَ طَهَارَةٍ لَا تُدْنِسُهَا الْآثَامُ؛ هِلَالَ آمِنٍ مِنَ الْآفَاتِ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالَ سَعِدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ، وَ يُمِنٍ لَا نَكَدَ مَعَهُ، وَ يُسِّرٍ لَا يُبَازِجُهُ عُسْرٌ، وَ خَيْرٍ لَا يَشْوِبُهُ شَرٌّ، هِلَالَ آمِنٍ وَ اِيْمَانٍ وَ نِعْمَةٍ وَ اِحْسَانٍ وَ سَلَامَةٍ وَ اِسْلَامٍ ...^{۸۳}

از خداوند، پروردگرم و پروردگارت و آفریننده‌ام و آفریننده‌ات و حساب کننده‌ام و حساب کننده‌ات و صورتگرم و صورتگرت، درخواست می‌کنم که بر محمد و آلش درود فرستد و تو را هلال بابرکتی قرار دهد که گذشت روزگاران آن برکت را از بین نبرد؛ و هلال پاکی که گناهان، آلوده‌اش نکند. هلال ایمنی از بلاها و سلامتی از بدی‌ها، هلال خوش طالعی که نحسی در آن نباشد و با میمندی که مشقت گرد آن نگردد و آسایشی که دشواری با آن مخلوط نشود و خیری که آمیخته به شر نگردد، هلال امن و امان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

۸۱. ن. ک: الکافی، ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۳.

۸۲. ن. ک: قرب الاسناد، ص ۳۲.

۸۳. الصحیفة السجادیة، الدعاء ۳۴.

در این دعا از خداوند درخواست شده که ماه پیش رو، ماهی سرشار از برکت و دارای طالع خوش و بدون نحسی باشد. امام علیه السلام با این عبارات از خداوند درخواست ایمنی از بلاها و مشکلات را دارند که می‌توان قمر در عقرب را مصداقی از این مشکلات دانست.

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده:

چون قصد سفر داری سلامت خود را به مقدار صدقه‌ای که دلت راضی است از خداوند بخر و بعد به سفر برو، و بگو: **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیدُ سَفَرًا کَذَا وَ کَذَا وَ اِنِّیْ قَدِ اشْتَرِیتُ سَلَامَتِیْ سَلَامَتِیْ فِی سَفَرِیْ هَذَا هَذَا**. خداوند من اراده فلان سفر دارم و سلامتتم را در این سفر به فلان صدقه و یا فلان چیز از تو می‌خرم، بعد هر جور صلاح بدانی صدقه بده. و اگر سالم برگشتی نیز برای شکر صدقه بده.^{۸۴}

به جای «کَذَا وَ کَذَا» نام و مقصد سفر گفته می‌شود.

دعایی نیز در کتاب مکارم الاخلاق ذکر شده^{۸۵} که در بین مردم به دعایی برای برطرف کردن اثر قمر در عقرب مشهور است. برخی نام این دعا را حوقله سبعه گذاشته‌اند. این دعا بدون ذکر سند و بدون انتساب به معصوم علیه السلام نقل شده است. همچنین دعای مذکور بدون ذکر موضوع قمر در عقرب، برای ایامی مناسب دانسته شده که در آن از کار و تلاش نهی شده، ولی انسان مجبور به انجام آن است. به دلیل نداشتن سند و انتساب به معصوم، این دعا فاقد اعتبار است اما قرائت آن به نیت رسیدن به آثار بیان شده اشکالی ندارد.

با توجه به آنچه بیان شد، انجام برخی از اعمال در ایام قمر در عقرب، آثار سوئی دارد که با بهره‌گیری از راهنمایی اهل بیت علیهم السلام می‌توان از این آثار در امان ماند و یا تأثیر آن را کاهش داد.

نتیجه

قمر در عقرب از موضوعاتی است که در روایات به آن اشاره شده و آثاری برای آن بیان شده است. در مورد تعریف قمر در عقرب اختلاف نظرهایی وجود دارد. مطابق روایات، اثر قمر در عقرب قطعی است و افراد باید در کارهای خود احتیاط‌های لازم را به عمل آورند. اهل بیت علیهم السلام همواره در تلاش بودند تا این مشکل را رفع نمایند و با معرفی راهکارهایی، مردم را از این مشکل نجات دهند. حکم فقهی انجام برخی از امور در ایام قمر در عقرب کراهت است نه حرمت. از این رو چنانچه این

۸۴. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۴.

۸۵. ن. ک: مکارم الاخلاق، ص ۴۷۵.

موضوع با امری واجب تداخل پیدا نمود، کار واجب مقدم خواهد شد. اثر سوء قمر در عقرب فقط منحصر در کارهای محدودی است و انجام سایر امور مهم و غیر مهم در این ایام، اشکالی ندارد. این موارد شامل «عقد ازدواج»، «سفر» و «بستن حرز امام جواد علیه السلام» است. «حجامت» در ایام قمر در عقرب نهی نشده بلکه در ایام شمس در عقرب، نهی شده است. در روایات اهل بیت علیهم السلام راهکارهایی برای رفع آثار بد انجام امور یادشده در این ایام وجود دارد که عبارت است از «صدقه»، «دعا» و «خواندن آیه الكرسي».

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. الصحیفة السجادیة، امام سجادة علیه السلام، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.
۳. الاصول الستة عشر، عدهای از علما، قم، دار الشبستری للمطبوعات، ۱۳۶۳ش.
۴. الامالی، شیخ صدوق محمد بن علی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵. الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة، فضل بن حسن طبرسی، ترجمه احمد عابدی، قم، زائر، ۱۳۸۰ش.
۶. آداب سفر در فرهنگ نیایش (ترجمه الامان)، ابن طاووس علی بن موسی، ترجمه عبد العلی محمدی شاهرودی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۸۱ش.
۷. بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸. بهشت کافی (ترجمه روضه کافی)، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه حمید رضا آژیر، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۱ش.
۹. ترجمه من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق محمد بن علی، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد بلاغی صدر، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷ش.
۱۰. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۱. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۲. جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق ثانی (محقق کرکی)، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۳. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمد حسن نجفی، تحقیق محمود قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.
۱۴. الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، شیخ یوسف بحرانی، تحقیق محمد تقی ایروانی، قم، جامعه مدرسین.
۱۵. حلیة المتقین فی الأدب و السنن و الاخلاق، علامه مجلسی، ترجمه خلیل رزق عاملی، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۴ق.
۱۶. الخصال، شیخ صدوق محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۷. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق حلی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق.

۱۸. الطراز الاول و الكنز لما عليه من لغة العرب المعول، سيد على خان كبير مدنی شیرازی، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد، ۱۳۸۴ش.
۱۹. العروة الوثقی، سید یزدی طباطبایی، تحقیق و نشر جامعه مدرسین، قم.
۲۰. علل الشرائع، شیخ صدوق محمد بن علی، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، ۱۳۸۰ش.
۲۱. علل الشرائع، شیخ صدوق محمد بن علی، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۲۲. عوالی اللالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، ابن ابی جمهور احسائی محمد بن زین الدین، مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء، ۱۴۰۵ق.
۲۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق محمد بن علی، تحقیق سید مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۴. فرهنگ ابجدی، فؤاد افرام بستانی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۲۵. الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد.
۲۶. قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۷. كشف اللثام، فاضل هندی محمد بن حسن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
۲۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۹. کتاب الماء، عبدالله بن محمد زدی، تحقیق محمد مهدی اصفهانی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی.
۳۰. لسان العرب، ابن منظور محمد بن مکرم، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۳۱. مجمع البحرین، فخر الدین بن محمد طریحی، تحقیق سید احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۲. المحاسن، برقی احمد بن محمد بن خالد، تحقیق جلال الدین محدث ارموی، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
۳۳. مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، شهید ثانی، قم مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۴. معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۵. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵ش.
۳۶. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۳۷. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۳۸. مهج الدعوات و منهج العبادات، ابن طاووس علی بن موسی، تحقیق ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

۳۹. مهج الدعوات، ابن طاووس علی بن موسی، ترجمه محمد تقی بن علی نقی طوسی، تحقیق محمد سادات حیاتشاهی، تهران، رایجه، ۱۳۷۹ ش.
۴۰. الوافی، فیض کاشانی محمد محسن بن شاه مرتضی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۴۱. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی محمد بن حسن، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. مقاله قمر در عقرب، رحیم رضازاده ملکه، نامه انجمن، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۵ ش.
۴۳. مقاله قمر در عقرب، عباس ماهیار، مجموعه مقالات گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دوره برگزاری ۱۱، ۱۳۹۵ ش.
۴۴. سایت مرکز مطالعات و پژوهش های فلکی به آدرس: farsi.nojumi.org

